

شرایط پذیرفتن مقاله

۱. هر مقاله علمی که در راستای تحقیقات تاریخی مبتنی بر اسناد، و مطالعات آرشیوی باشد، برای بررسی و چاپ در نشریه، پذیرفته می‌شود.
۲. مسئولیت مطالب مندرج در هر مقاله، بر عهده نویسنده است.
۳. مقاله، نباید پیش‌تر در نشریات فارسی زبان داخل یا خارج از کشور چاپ شده باشد.

ضوابط تهیه مقاله

۱. مقاله، در محیط Microsoft Word با قلم ۱۲ Bnazanin تهیه و به دفتر نشریه ارسال شود.
۲. چکیده تمام نمای فارسی مقاله، حداکثر در ۳۰۰ کلمه ارائه شود.
۳. توضیحات، معادل‌های خارجی واژه‌ها و اصطلاحات علمی، به ترتیب استفاده در متن، با شماره‌گذاری پیاپی در هر صفحه درج گردد.
۴. حجم مقاله، از ۱۷ صفحه فراتر نرود.
۵. نام و مشخصات نویسنده/ نویسندگان، همراه با نشانی پیام‌نگار و وابستگی سازمانی در پانویست ذکر شود.
۶. ملاک ارجاع‌دهی، شیوه‌نامه معرفی شده در شماره نخست فصلنامه آرشیو ملی است.

ملاحظات

۱. هیئت تحریریه نشریه، در قبول یا رد مقاله‌ها آزاد است.
۲. نشریه، در ویرایش، اصلاح و هماهنگ‌سازی اصطلاحات، آزاد است.
۳. ترتیب تنظیم مقالات تأیید شده برای چاپ، بنا به نظر هیئت تحریریه نشریه خواهد بود.
۴. مقالاتی که در اولویت چاپ قرار نمی‌گیرند، مسترد می‌شوند.

نام مراکز آرشیوی کشور، به منظور ارجاع درون‌متنی به سند، به شیوه زیر در این فصلنامه سرواژه‌سازی شده است:

- ساکما (sākma): سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
- مارجا (mārjā): مرکز اسناد ریاست جمهوری اسلامی ایران.
- کمام (kemām): کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- مَراسان (marāsān): مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- استادوخ (estādux): اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه.
- مَتما (motmā): مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- ساکماق (sākmaq): سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.

کوتاه‌نوشت‌ها



سخن نخست

زیره به کرمان بردن

جمشید کیان فر

دغدغه‌ای فکری است که سالیانی دراز، ذهن مرا به خود مشغول داشته، دغدغه‌ای که به مناسبت، دو بار با سازمان اسناد و کتابخانه ملی در میان گذاشته‌ام، همانند دغدغه‌های دیگر ذهنی که با بیان و مطرح کردن آن تاکنون ره به جایی نبرده است. همچون دغدغه دانلود رایگان که اجر پدیدآورندگان و سرمایه ناشر را به هیچ می‌انگارد و یا دغدغه بخشنامه و آئین‌نامه کذا و کذا و وزارت فخریه علوم که با طرح آن، جز لعنت ابدی برای خود، بازدهی دیگری نداشته و با پخته‌خوار خواندن استادان، مورد تنفر حضراتشان قرار گرفته‌ام.

اما دغدغه، دغدغه است و دغدغه اسناد هم از این‌گونه است و هر بار به نحوی از انحاء بیانش می‌کنم اما دریغ از گوش‌شنوا. اجازه بدهید بحث را این‌گونه آغاز کنم:

سازمان اسناد یا معاونت اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی، نهادی نوپاست و هنوز عمرش به‌زور به نیم‌سده می‌رسد. سازمانی که در ۱۳۴۹ لایحه‌اش در مجلس به تصویب رسید و بر اساس مصوبه مجلس کلیه وزارت‌خانه‌ها، نهادها، مؤسسات و سازمان‌های دولتی موظف شدند که همه اسناد خود در آرشیوها به‌ویژه بایگانی‌های راکد را بدین سازمان نوپا ارسال کنند.

از همان آغاز، چند وزارتخانه و سازمان که اسناد مهمی را در اختیار داشتند، بدین دلیل که اسناد محرمانه و مهمی دارند و یا اینکه این اسناد پیوسته مورد استفاده است و غیره، از واگذاری اسنادشان سر باز زدند.

باز براساس مصوبه دیگر، قرار شد که چنین وزارتخانه‌ها و سازمان‌هایی زیر نظر هیئتی، اسناد خود را بازبینی کنند و پس از بازبینی اسناد، آن‌ها را به سازمان اسناد تحویل دهند که ظاهراً چنین اتفاقی نیفتاد و وزارت نفت امروزی، وزارت امور خارجه، سازمان اوقاف و وزارت دفاع که مستثنی بود و به تبع آن، ارتش و شهربانی و ژاندارمری و غیره و غیره هم سر باز زدند که بماناد.



بر این اساس، دغدغه فکری من این است که در گذشته‌های دور که بایگانی‌های راکد و وزارتخانه‌های عریض و طویل امروزی نبودند تکلیف اسناد چه می‌شد؟ و چه بلا یا بلاهائی بر سر اسناد بینوا در ادوار تاریخ آمده است و چگونه بدان‌ها می‌توان دسترسی پیدا کرد.

گرچه می‌دانیم که در چند مقطع تاریخی در تاریخ معاصر، اقداماتی جهت حفظ اسناد به‌عمل آمده است. نخست در زمان فتحعلی‌شاه که وزارت خارجه تأسیس شد و برای اولین بار، سفیر رسمی به دربار بریتانیا و دربار فرانسه نزد ناپلئون فرستاده شد و همچنین برای مذاکره در باب صلح میان ایران و روسیه و بستن دو عهدنامه مثلاً صلح و حفظ و نگهداری این قبیل اسناد در وزارت خارجه، بماناد که با یک مهر محرمانه این قبیل اسناد همچون معاهده پاریس، هنوز هم محرمانه باقی‌مانده است. محرمانه‌ای به وسعت تاریخ!

دو دیگر در زمان ناصرالدین‌شاه که به دستور او اسناد سیاسی و مقوله‌نامه‌ها و قراردادهای میان ایران و دول خارجه در وزارت خارجه و اسناد مالی سپرده میرزا یوسف مستوفی‌الممالک معروف به حضرت آقا که هم مقام صدر را عهده‌دار بودند و هم وزیری مالیه را یدک می‌کشیدند. سه دیگر در ۱۳۲۶ قمری، شادروان مؤتمن‌الملک پیرنیا اقدام به جمع‌آوری اسناد سیاسی با عنوان «مجموعه معاهدات دولت علیه ایران با دول خارجی» را در یک مجلد به دو زبان فارسی و فرانسه منتشر کردند و گوئی، همان یک چاپ برای هفت پشتمان کافی است، نه کتابخانه مجلس و حتی خود مجلس و یا دیگر مؤسسات فرهنگی و پژوهشی اقدامی برای تجدید چاپ آن نکردند. مرحله چهارم در جمع‌آوری و حفظ اسناد در ۱۳۰۹ ش. بود که کلیه وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی موظف به تشکیل آرشیو رسمی از اسناد روز خود و بایگانی راکد از اسناد غیرفعال یا مورد غیرنیاز روزمره دایرکنند و همین اسناد است که در ۱۳۵۰ از خدا خواستگی وزارتخانه‌ها به سازمان جدیدالتأسیس منتقل شد و در هر اداره و وزارتخانه‌ای یک یا چند اطاق و سالن خالی شد. اما سؤال و دغدغه فکری من را این اسناد جوابگو نیست، چرا که این قبیل اسناد همه تازه هستند و نهایت قدمت دویست ساله دارند؛ پس اسناد ۱۲۰۰ سال دیگر کجاست؟ فعلاً کاری به عهد باستان ندارم.

به حکم سال‌ها کتابدار حمال‌بودن (واژه خودساخته این کمترین در برابر کتابداران هیأت علمی) و آشنائی با متون و مصحح متون تاریخی نظر دولت‌مردان سندی را معطوف به چند منبع می‌کنم؛

۱. منشآت. کتابهائی که کارکنان دیوان استیفا و رسائل یا فرزندان و نوادگان آن‌ها جمع‌آوری کرده‌اند همچون منشآت عبدالحسین نصیری طوسی (نسخه شماره ۱۸۳۸ کتابخانه ملی پاریس) و یا نسخه ۶۰۶ کتابخانه مجلس شورا که اسناد و مکاتبات و فرامین دوره صفویه را در بر دارند. و یا سفینه‌الانشاء/ سفینه‌الفرامین میرزا محمد نائینی متخلص به فروغ که فرزندش



میرزا اسدالله نائینی جمع‌آوری کرده و دوست فاضل و فرهیخته شادروان محمد گلبن به چاپ رسانده و حاوی اسناد مهم دوره قاجار است.

از این قبیل منشآت در کشورهای همسایه هم کم نیست چون: منشآت فریدون بیک و منشآت حیدر ایواوغلی از اسناد آرشیو عثمانی که به چاپ رسیده‌اند و باز ما بی‌توجه، حتی حاضر نشدیم که برای استفاده پژوهشگران در ایران تجدید چاپ کنیم و یا منشآت ابوالفضل بن مبارک متخلص به فیاضی و علامی معروف به ابوالفضل علامی که مجموعه مکاتبات و منشآت او را پس از در گذشتش؛ خواهرزاده‌اش عبدالصمدبن‌افضل محمد در سه دفتر جمع‌آوری کرد.

این سه دفتر که در شبه‌قاره جمع‌آوری شده در مناسبات ایران و بایرین هند و رجال ایرانی مهاجر به هندوستان که در مقام‌های وزارت و سالار جنگ و حکام ایالت‌های دولت بایری خدمت می‌کردند حائز اهمیت است. هنرمندان و ادبا و شعرا و مورخان که جای خود دارند.

۲. تاریخ‌های محلی چون تاریخ گیلان عبدالفتاح فومنی گیلانی مملو از سواد اسناد عصر صفوی است و یا تاریخ دیار بکریه در ایام اوزون حسن و در سلطنت او تالیف یافته و ده‌ها کتاب تاریخ محلی دیگر که مشحون از سواد اسناد دوره‌های مختلف تاریخ‌اند.

۳. متون تاریخی. اگر اغراق نکنم باید بگویم نخستین کسی که به اسناد در متون توجه کرد، استاد شادروان دکتر عبدالحسین نوائی بود. وقتی از منظر تفحص و کنکاش به مجموعه اسناد و مکاتبات سیاسی ایران بنگریم، درمی‌یابیم که حاصل ۶۰۰۰ صفحه در ۱۰ مجلد چه شب‌بیداری‌های توأم با بازنویسی از روی دست‌نوشته‌های عجیب و غریب با خطوط کج و معوج را در پی داشته است.

کاری که حضرتشان به‌تنهایی حد فاصل سال‌های ۱۳۴۱ الی ۱۳۶۷ به فرجام رسانده‌اند، امروزه هنوز سازمان‌ها و نهادها با آن امکانات وسیع و پرسنل بی‌شمار و پژوهشگران ریز و درشت و پرمدعا و بی‌ادعا نتوانسته‌اند از عهده برآیند و اثری در خور و شایسته همچون یکی از مجلدات ده‌گانه دکتر نوائی را به بازار علم و دانش عرضه کنند، اگر هم صورت گرفته است باز هم از پرتو وجود پربرکت حضرتش بوده که رونق بخش آن جمع بوده است.

اجازه دهید اندیشه جمع‌آوری و تصحیح اسناد را از لابه‌لای صفحات متون از زبان قلم استاد عبدالحسین نوائی - در کتاب شاه‌عباس مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی همراه با یادداشتی تفصیلی، ۱۳۶۶- نقل کنم: «اندیشه جمع‌آوری مدارک و اسناد مکتوب تاریخی از دیرباز ذهن مرا به خود مشغول می‌داشت و به‌سابقه همین شور و شوق، نخستین قدم در این راه انتشار مقالاتی بود در مجلات اطلاعات ماهیانه و یادگار، بر اساس نامه‌های تاریخی به منظور نشان دادن ارزش تاریخی آن اسناد؛ تا این که نخستین مجلد در ۱۳۴۱ به صورت مستقل با عنوان «اسناد و مکاتبات تاریخی از تیموریان تا شاه اسماعیلیه» در برگیرنده اسناد دوره تیموری و ترکمانان بود منتشر شد.



سبب این همه توجه استناد نوائی به اسناد و مدارک، پی بردن به ارزش حقیقی اسناد از طرف ایشان بود چنان که در همان کتاب می نویسند:

«نوشتن یا تالیف تاریخ ایران بر اساس مدارک و اسناد تاریخی مستلزم کوششی است همه جانبه، چه در داخل و چه در خارج کشور، برای جمع آوری اسناد و مدارک تاریخی از سنگ نبشته‌ها و آثار هنری گرفته تا یادداشت‌ها و نامه‌ها و کتاب‌ها و دفاتر رسمی و امثال آن... چه تاکنون در کشور ما بدین امور توجهی نمی شده و هنوز هم این گونه اسناد در چشم ما ایرانیان آن اهمیت شایسته و درخور را نیافته است، حتی به جمع آوری اسناد و مدارک مانند نامه‌ها و فرمان‌ها برنخاسته و این نوع نامه‌ها و اسناد در بطون کتب و رسالات و جنگ‌ها پراکنده است و اگر هم کسی به جمع آوری آن توجه کرده است، از لحاظ نمونه انشاء و قدرت ترسل یا جمع آوری آثار قلمی فلان نویسنده بوده است نه از لحاظ توجه به اهمیت تاریخی و ملی آن.

به راستی که نیکو گفته اند و در سفته اند؛ زیرا آنچه که در آرشیوهای نهادها و سازمان‌های دولتی بنابه ضرورتی جمع آوری شده، به صورت بایگانی راکد درآمده و یا به عبارت ساده تر مانند صندوق‌های مادر بزرگی است که نوادگان ایشان در حسرت افکندن نیم‌نگاهی به درون آن به سر می‌برند و صد البته اصطلاح «آرشیو و مارشیو» که شادروان دکتر پاریزی در این باره به کار برده اند از تعبیر این مقصر مادر زاد نیکوتر است.

بله دکتر نوائی در جرگه پیشگامان بودند که توجه به اسناد مندرج در متون تاریخی کردند. متون تاریخی از صدر اسلام گرفته اند؛ همانند مغازی‌ها، سیره‌ها و تاریخ‌هایی چون تاریخ طبری و الکامل ابن‌اثیر تا دوره قاجار همچون ناسخ‌التواریخ قاجاریه مملو و مشحون از اسناد هستند و باید بدان‌ها توجه ویژه‌ای مبذول کرد.

برای نمونه در ناسخ‌التواریخ قاجاریه اکثر معاهدات ایران با دول خارجه و معاهدات صلح و فتح‌نامه آمده است و در دیگر منابع متونی نیز، همین قسم است.

۴. اسناد وقفی که به صورت کتابچه درآمده‌اند مثل صریح‌الملک مربوط به بقعه شیخ صفوی است و بالغ بر ۱۰ مجلد که متأسفانه در کتابخانه‌های ایران، مثل کتابخانه ملی، خود معاونت اسناد، بقعه شیخ صفی‌الدین و موزه ملی، موزه آذربایجان (گویا به بقعه منتقل شده) و نیز در روسیه پراکنده است (این یکی، زمان غارت و به‌ینما بردن کتابخانه بقعه شیخ صفی‌الدین توسط روس‌ها سر از آن دیار برآورده است).

اسناد مندرج در متون و منشآت و تاریخ‌های محلی و... را به سه دسته می‌توان تقسیم کرد:

۱. سواد کامل اسناد

۲. خلاصه یا منتخبی از اسناد (مثل عهدنامه ترکمانچای که هنوز متن کامل آن منتشر نشده و نسخه‌ای از آن در وزارت خارجه ایران و نسخه دیگر در اختیار روس‌هاست و



هر دو کشور، گوئی گنجی گرانبها در اختیار دارند و از ایجاد دسترسی به آن و انتشارش خودداری می‌کنند) و لسان‌الملک سپهر، نخستین بار منتخبی از سند را با عنوان «ذکر مختصر و منتخبی از عهدنامه ایران و روس» را در کتاب ناسخ‌التواریخ، تاریخ قاجاریه، از آغاز تا پایان سلطنت فتحعلی شاه آورده است. بعد از او هدایت در روضه‌الصفا ناصری و اعتمادالسلطنه در منتظم ناصری و دیگر مورخان قاجاری همین متن را در آثار خود آورده‌اند.

۳. خبر سند. گاه در متون می‌خوانیم که نامه‌ای از طرف فلان امیر یا پادشاه به فلان امیر یا وزیر نوشته شده ولی از متن آن بی‌خبریم. شاید روزگاری اصل سند یا سواد آن در جایی یا متنی پیدا شود.

پایان سخن پیشنهادی به معاونت اسناد که گروهی از سندپردازان را به اتفاق تاریخ‌دانان، مأمور شناسائی این قبیل اسناد کرده و پس از آن نسبت به استخراج یا کپی‌برداری از نسخ خطی و چاپی اقدام کنند.

من آنچه شرط بلاغ است با تو می‌گویم توخواه از سخنم پندگیر و خواه ملال

